



## تصمیم تاریخی امام خمینی

دکتر حسین اردستانی\*

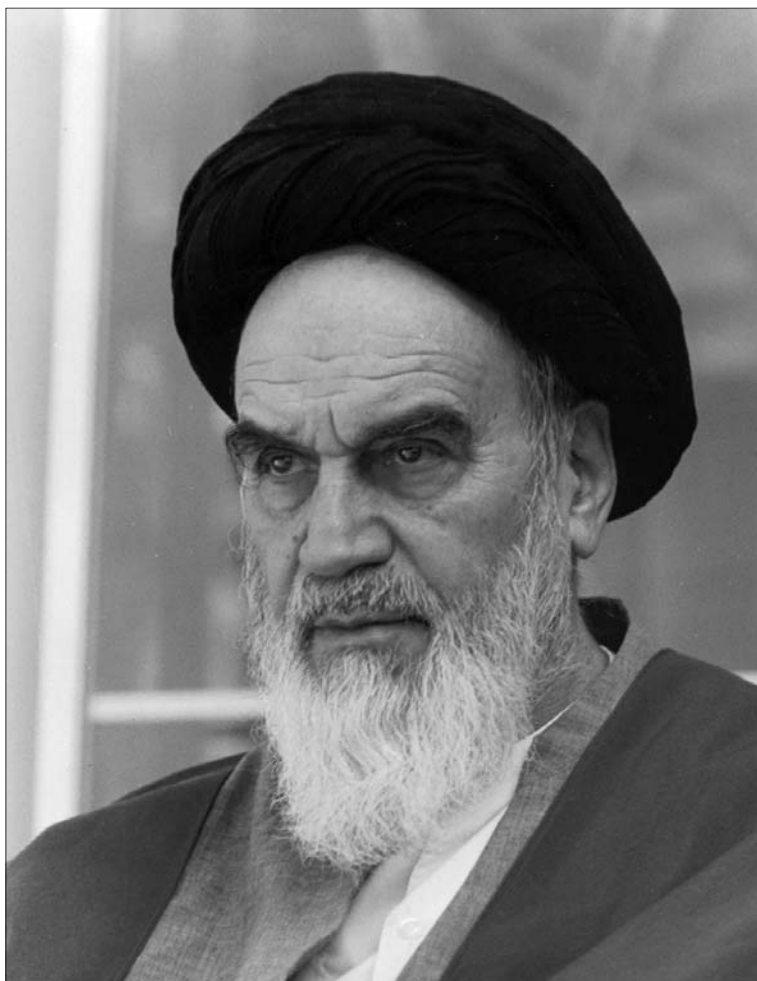
### مقدمه

نظریه‌ی "جنگ ادامه‌ی سیاست است با ابزار دیگر" کلاوزویتز به وقوع می‌پیوست و صدام حسین این گونه می‌توانست به ۵۰ تا ۱۰۰ درصد از اهداف خود از جمله: سقوط نظام جمهوری اسلامی؛ تجزیه‌ی خوزستان یا به دست آوردن حاکمیت ساحل شرقی اروندرود، دست یابد و عهدنامه‌ی جدیدی همچون گلستان یا ترکمن‌چای را به ایران تحمیل کند. برای رسیدن به این اهداف همه‌ی شرایط برای عراق مهیا بود: ارتش این کشور از نظر آمادگی در وضعیت خوبی به سر می‌برد، صحنه نبرد در وضعیت مناسبی برای عراق بود؛ اوضاع داخلی ایران به هم ریخته بود؛ دولت ایران انسجام لازم را نداشت و اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ی به نفع عراق بود. تنها

در پاییز ۱۳۵۹، سرنوشت تاریخ ایران، انقلاب اسلامی و آینده‌ی جمهوری اسلامی رقم خورد و ملت و دولت ایران، خطرترین دوره‌ی تاریخی را پشت سر گذاشتند و شکست مطلق را به پیروزی تبدیل کردند.

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، حکومت عراق به رهبری صدام حسین با هدف ساقط کردن دولت جدید ایران و سیطره بر منطقه، به خاک ایران تجاوز کرد و در طول یک هفته بیش از ۲۰ هزار کیلومتر از سرزمین ایران را در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان به اشغال خود در آورد و در پایان هفته‌ی اول خواستار آتش‌بس و مذاکره شد. درخواست آتش‌بس ظاهرسازی بیش نبود و با تحقق آن،

\* مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و راوی مرکز در قرارگاه خاتم‌الانبیا در دوران دفاع مقدس.



نقطه‌ی قوت ایران، رهبری انقلاب اسلامی بود که چارچوب ذهنی و رفتاری وی با مدل‌های رفتاری و دیده‌گاه‌های کلاسیک و عرفی سیاست، هم‌خوانی نداشت. امام خمینی با قاطعیت آتش‌بس و مذاکره را رد کرد و تحقق آن را منوط به خروج ارتش متجاوز عراق از خاک ایران دانست.

تصمیم رد مذاکره چندان ساده نبود و با تأمل در وضع سیاسی کشور و وقوع جنگ تحمیلی امری غیر ممکن به نظر می‌رسید، اما برای ایشان راه دیگری وجود نداشت. شکست یا پیروزی نتیجه‌ی محتوم تصمیم‌گیری در این مقطع بود و اتخاذ هر یک، سرنوشت تاریخی

بود؛ دولت انسجام لازم را نداشت و در میان دولت مردان دوگانگی به چشم می‌خورد و این تفاوت و تعارض دیدگاه‌ها در زمستان ۱۳۵۹ به بحران داخلی و در خرداد ۱۳۶۰ به جنگ داخلی منتهی شد. نداشتن انسجام و شکاف عمیق به جنگ دیگری در داخل انجامید که طرف مقابل نه ارتش صدام، بلکه ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بودند.

در عرصه‌ی نظامی، ارتش ایران که حدود ۶۰ سال در دامان نظام شاهنشاهی پرورش یافته بود، با ظهور انقلاب، وارد دوره‌ی جدیدی شده بود، اما

ایران را تغییر می‌داد. بنابراین، با وجود مشکلات بسیاری که کشور از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی و بین‌المللی داشت، ایشان حاضر به مذاکره نشدند و کشور را وارد مرحله‌ی جدیدی از دفاع کردند و از مردم خواستند که از اسلام، جمهوری اسلامی و هویت ملی خود دفاع کنند. رد مذاکره و اتخاذ راهبرد دفاع در مقابل تجاوز ابزارهای لازم را نداشت و توصیه‌ی برخی سیاست‌مداران موجه به مذاکره نیز نشان می‌داد آنان به خوبی این موضوع را درک کرده‌اند. جمهوری اسلامی برای مقابله با تجاوز عراق با مشکلات عدیده و بحران‌های داخلی مواجه

بین‌المللی، چنین موضع و رفتاری داشتند. براین‌اساس اوضاع داخلی، شرایط منطقه‌یی و بین‌المللی و وضعیتی که عراق با ورودش به بخش‌های وسیعی از خاک ایران به وجود آورده بود و نیز وضعیت نیروهای مسلح، همه و همه در تعارض با راهبرد دفاع و نفی مذاکره قرار داشتند و امام خمینی با نگاه به گذشته، حال و آینده و نیز ماهیت حرکت انقلاب اسلامی که به سرنگونی شاه در ایران و تغییر ساخت قدرت از سلسله‌ی شاهنشاهی با پیشینه‌ی ۲۵۰۰ ساله به جمهوری اسلامی و نقش مردم در سیاست انجامیده بود، راه‌گریزی جز اعتماد به توانایی انقلاب و مردم و مقابله با تجاوز به جای پذیرش آتش‌بس نداشت.

ایران در گذشته نیز به شکل‌های گوناگون در چنین دوراهی‌هایی قرار گرفته و هزینه‌های سنگینی متحمل شده بود. برای مثال، در تاریخ معاصر ایران، از جمله در جنگ‌های ایران و روس (دوران قاجار)، شهریور ۱۳۲۰ (زمان رضاشاه پهلوی) و در جریان ملی شدن صنعت نفت و دولت دکتر محمد مصدق، دولت‌مردان ایران نتوانستند مردم را بسیج و با متجاوزان مقابله کنند و در نهایت به بحران در کشور خاتمه دهند. دولت مصدق با وجود این‌که توانسته بود شاه را از ایران بیرون کند و در حالی که خیل عظیم مردم را پشت سر خود داشت، نتوانست به بسیج آن‌ها اقدام کند و با اندیشیدن تمهیدات لازم، در مقابل دولت انگلستان در جریان تحریم نفت و در مقابل انگلستان و آمریکا در جریان کودتا بایستد و موفق عمل کند و در نهایت، فرصت گرانبها و تاریخی ایران را از دست داد. در جریان جنگ دوم جهانی و شهریور ۱۳۲۰ نیز ماهیت استبدادی و غیر مردمی دولت، مانع از آن بود که بتواند در مقابل تجاوز خارجی و اشغال خاک ایران مقاومت کند و ناچار شاه ایران تخت سلطنت را به فرزند سپرد و سرافکنده از ایران بیرون رفت. در جریان

آمادگی ذهنی، فرهنگی، سازمانی و ابزاری لازم را برای ورود به یک جنگ نابرابر نداشت. اصولاً توان نظامی ارتش ایران در چارچوب سیاست خارجی ائتلاف و اتحاد کاربرد داشت و تأمین می‌شد، درحالی که انقلاب اسلامی ادعا می‌کرد نه تنها در سطح ملی و منطقه‌یی، بلکه در سطح بین‌المللی بازیگر مستقلی است و راه تازه‌یی را پیش گرفته است و راهبرد "نه شرقی، نه غربی" مؤید چنین نگاهی به جهان از جانب رهبر انقلاب بود. در چنین وضعیتی سپاه پاسداران نیز که مراحل آغازین شکل‌گیری و رشد خود را می‌گذراند، فاقد سازمان، آموزش، توانایی فرماندهی نظامی و سایر نیازمندی‌ها برای مقابله با تجاوز بود. علاوه بر این اساس سپاه پاسداران برای برقراری امنیت داخلی تشکیل شده بود؛ بنابراین، برای مواجهه با تجاوز گسترده‌ی نظامی آمادگی نداشت.

در عرصه‌ی بین‌المللی، دولت انقلابی ایران وضعیت خوبی نداشت و به رغم استقبال ملت‌ها، گروه‌های انقلابی و آزادی‌خواهان جهان از تحول قدرت در ایران، دولت‌های منطقه و قدرت‌های بزرگ و مهم‌تر از همه، آمریکا و شوروی، دو رأس هرم بلوک‌های شرق و غرب، به رغم تفاوت‌های بسیار در مواضع، مخالف جدی جمهوری اسلامی بودند، به خصوص دولت آمریکا که سیاست خارجی منخاصمه و مقابله را در خاورمیانه، خلیج فارس و در روابط با ایران، در پیش گرفته بود. این جهت‌گیری پس از تصرف سفارت آمریکا در تهران به دست دانشجویان مسلمان خط امام، عمق و دامنه‌ی بیش‌تری یافت و حتی تا مرز اقدام نظامی در اردیبهشت ۱۳۵۹ در صحرای طبس و نیز کودتای نوژه با هدف سرنگونی دولت ایران در تیرماه همین سال پیش رفت و موافقت با تجاوز عراق به ایران نیز در همین چارچوب انجام شد. دولت‌های اروپایی نیز که متحدان آمریکا در بلوک غرب بودند، در عرصه‌ی

اسارت ملت را در پی داشته باشد و سبب خواری آنان شود. بنابراین، تصمیم به دفاع و مقاومت با الگوی حضرت سیدالشهدا و وارد کردن مردم به جای اتکا صرف به سازمان‌های نظامی، راه چاره‌ی امام برای برون‌رفت از بن‌بست تاریخی دیگری بود که افق‌های تیره و تاریک را در مقابل جامعه ایران پدیدار کرده بود.

به نظر نگارنده به عنوان معلم تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دانشگاه، امام خمینی با رد مذاکره، مهم‌ترین تصمیم خود را در هشت سال دفاع مقدس گرفت؛ بطوریکه هیچ تصمیم دیگری در حیات سیاسی ایشان به این اندازه مهم نبوده است. در حقیقت، امام خمینی با این تصمیم از یک سو مانع از فروپاشی جمهوری اسلامی شد و از سوی دیگر تاریخ ایران را وارد مرحله‌ی جدیدی کرد و سنت استقامت رهبری را در فراز و نشیب‌های آینده، پایه‌گذاری نمود..

جنگ‌های ایران و روس وضع به مراتب بدتر از این شد و شکست حکومت فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا (ولیعهد) در مقابل ارتش روسیه، سبب شد بخش وسیعی از سرزمین‌های ایران به خاک دشمن ضمیمه شود و ایران در بدترین وضعیت تاریخی خود قرار بگیرد.

وضعیتی که کشور در پاییز ۱۳۵۹ با آن رو به رو بود تصمیم‌گیری را برای مسئولان بسیار سخت‌تر از سایر دوره‌های تاریخ گذشته کرده بود. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، دولت ایران در آن مقطع در بدترین وضع ممکن قرار داشت و اراده و توان بین‌المللی نیز بر حمایت از متجاوز متمرکز شده بود. انرژی و توان برآمده از انقلاب؛ آزادی ملت از استبداد و سلطه؛ توانایی ذهنی و قدرت تصمیم‌گیری امام خمینی؛ توانایی ایشان در اتصال مردم به ارزش‌های دینی و مذهبی و تبدیل تجاوز به فرصت در دوره‌ی جدید ایران، برگ برنده‌ی رهبر ایران بود و امام خمینی به بهترین وجه ممکن توانست با اتکا به آن، از شکست و سقوط نظام تازه تأسیس برآمده از انقلاب جلوگیری کند.

پذیرش مذاکره از جانب امام و ورود به دالان تنگ و پر پیچ و خم دیپلماسی قطعاً به سقوط جمهوری اسلامی یا تغییر ماهیت آن می‌انجامید و عهدنامه‌های ترکمن‌چای و گلستان بار دیگر امضا می‌شد، اما این بار این رهبر انقلابی و دینی بود که آن را می‌پذیرفت و امضا می‌کرد؛ نه پادشاهان. به طور قطع، امام آگاه بود که پذیرش مذاکره و آتش‌بس و واگذاری بخش‌های وسیعی از خاک ایران به حکومت بعثی عراق، آثار مخرب و بنیان برافکن در پی خواهد داشت، زیرا این بار نه محمدرضا شاه که امام خمینی که داعیه‌دار آزادی و استقلال ملت و شارح نظریه‌ی حکومت اسلامی بود، ایران را از دست می‌داد و ملت را در پسرفت تاریخی دیگر گرفتار می‌کرد. امام خمینی آگاه بود که انقلاب نباید